

The Political Behavior of the Maghafines in the Qur'an Based on the Views of Contemporary Commentators Emphasizing on Interpretations
(Almazan, Nemouneh, Partovi az Quran And Tasnim)

Received: 19-04-2021

Accepted: 19-07-2021

Saeed Hosseini*

Ebrahim Barzegar**

Mohammad Hadi Heydarian***

(228-249)

The phenomenon of hypocrisy is basically defined in the face of the rule of believers. Just as the suppression of the believers has been a tool of oppression against oppressive governments, the hypocrisy of the believers and Muslims and the exercise of political power by the non-believers are driven by non-believers who do not believe in Islam. Or have poor faith. Therefore, the issue of hypocrisy is inherently a political phenomenon that has always been the issue of Islamic societies. The main purpose of this study is to make a comparative study of the behavior of hypocrites from the perspective of contemporary commentators. The method used in this research is a qualitative content analysis of directional type. The technique and method of collecting information is the library. The main question of this research is that according to the views of contemporary commentators, what are the characteristics and components of the vision, tendency, and political behavior of the hypocrites in the Qur'an? Based on the three models of this research hypothesis, it is as follows: The views of contemporary commentators on the political behavior of hypocrites have commonalities and differences. The findings and results of this research show that the hypocrites have an uncoordinated and unbalanced position in terms of vision, inclination, and behavior against the call of divine truth and religion.

Keywords: Political behavior, Hypocrites, al-Mizan, Nemooneh, Partovi az Quran, Tafsir Tasnim
Keywords: Political behavior, Hypocrites, al-Mizan, Nemooneh, Partovi az Quran, Tafsir Tasnim

* Master of Political Thought in Islam, Allameh Tabatabai University, Tehran , Iran: hoseyni.saeid63@gmail.com, (Corresponding Author)

** Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran: barzegar@tau.ac.ir.

*** Master of Political Thought in Islam, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran: heydarian1986@gmail.com



رفتارشناسی سیاسی منافقان در آرای مفسران معاصر (تفاسیر المیزان، نمونه، تسنیم، پرتوی از قرآن)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۳۰

سید سعید حسینی*

ابراهیم برزگر**

محمدهادی حیدریان***

(۲۲۸-۲۴۹)

چکیده

پدیده نفاق اساساً در مواجهه با حکومت اسلامی تعریف می‌شود. نفاق هنگام به قدرت رسیدن مؤمنان و مسلمانان و در اختیار گرفتن قدرت سیاسی از سوی آنان، از طرف غیرمؤمنانی اتخاذ می‌شود که اعتقادی به دین اسلام ندارند یا ایمانی ضعیف دارند. موضوع نفاق را می‌توان ذاتاً پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی دانست که همواره مسئله جوامع اسلامی بوده است. هدف پژوهش بررسی تطبیقی رفتارشناسی منافقان از دیدگاه مفسران معاصر است. روش استفاده شده در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. تکنیک و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. پرسش پژوهش این است که بر اساس دیدگاه مفسران معاصر، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و رفتار سیاسی منافقان چیست؟ بر مبنای الگوی سه‌گانه فرضیه چنین است: دیدگاه مفسران معاصر در خصوص رفتارشناسی سیاسی منافقان دارای وجوه اشتراک و افتراق است. یافته‌ها و نتایج

* کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

hoseyni.saied63@gmail.com

** استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران:

barzegar@tau.ac.ir

*** کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران: heydarian1986@gmail.com

حاصل از تحقیق نشان‌دهنده آن است که منافقان در برابر دعوت حق و دین الهی از لحاظ بینشی، گرایش و رفتاری موضعی ناهماهنگ دارند.

واژگان کلیدی: رفتار سیاسی، منافقان، المیزان، نمونه، تسنیم، پرتوی از قرآن.

مقدمه

اعتقاد و پایبندی به دین و مبانی آن، زندگی بشر را در مجرای خاص و مسیری ویژه قرار می‌دهد. چنانچه انسان‌ها فرم زندگی دینی را برگزینند، در زیست اجتماعی و سیاسی خود شاهد پدیده‌هایی هستند که به نوعی منحصر در این شیوه از زندگی اجتماعی است. مفاهیمی مانند نفاق، دورویی و تزویر هرچند معنایی گسترده و کاربردی عام دارند، باید اذعان کرد از آنجاکه نفاق و منافق در برابر ایمان و مؤمن تعریف می‌شود، این پدیده اغلب متوجه این نوع خاص از حیات سیاسی-اجتماعی بشر است. بنابراین، باید گفت همواره پس از استقرار حکومت‌های دینی در طول تاریخ حیات بشری، ظهور و بروز پدیده نفاق پررنگ‌تر بوده است.

حکومت اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. پس از پیروزی تدریجی مسلمانان بر مشرکان و کفار و تکوین و شکل‌گیری حکومت اسلامی به رهبری پیامبر اسلام ﷺ، به تدریج در جامعه اسلامی پدیده نفاق به وجود آمد. حکومت اسلامی و جامعه مسلمانان از ابتدا تا به امروز با این پدیده اجتماعی-سیاسی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. در جمهوری اسلامی نیز با پدیده نفاق روبه‌رویم.

دغدغه و مسئله اصلی این پژوهش این است که با اینکه همواره از بدو تشکیل حکومت اسلامی هشدارهای لازم در خصوص رخنه و سوءاستفاده منافقان داده شده و حتی در کلام وحی بارها به خطر وجود نفاق در جامعه اشاره شده، در طول تاریخ شاهد آن بوده‌ایم که منافقان ضربات جبران‌ناپذیری بر حکومت و جامعه اسلامی وارد کرده‌اند. بنابراین، غفلت نکردن از این ناهنجاری و مقابله اساسی و بنیادین با نفاق چگونه ممکن می‌نماید؟

باید گفت نفاق پدیده‌ای است بسیار غامض که از ابعاد و زوایای مختلف قابل بحث و بررسی است. چنانچه بخواهیم مسئله نفاق را در جامعه اسلامی کنکاش و واکاوی کنیم، بدیهی است رجوع به کلام الهی که خالق هستی و خالق آدمی با تمام ویژگی‌های آن است،

می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. پس، رجوع به قرآن کریم از اولویت‌هایی است که اندیشمندان، پژوهشگران و دانشجویان مسلمان قطعاً خود را از آن بی‌نیاز نمی‌دانند و می‌کوشند رهنمودهای شارع مقدس را که دارای جنبه‌های کلامی، فقهی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است، در این زمینه به‌کار بندند. همچنین پرداختن به ابعاد روان‌شناسانه موضوع و بررسی این پدیده از منظر علم روان‌شناسی می‌تواند ما را در شیوه مواجهه و برخورد با این پدیده رهنمون سازد.

نوشتار مذکور در دو حیطه علم کلام و علم روان‌شناسی به این مسئله خواهد پرداخت. پرسش اصلی این می‌تواند باشد که مفسران معاصر کلام الهی تا چه حد و به چه میزان به شناخت و تبیین رفتار سیاسی منافقان پرداخته‌اند؟ و پرسش‌های فرعی اینکه وضعیت فعلی رفتارشناسی سیاسی منافقان در نزد مفسران چگونه است و چه ضعف‌ها یا خلأهای معرفتی در این خصوص وجود دارد؟ آیا مفسران معاصر در تبیین رفتار انسان منافق، از علم روان‌شناسی به‌عنوان یکی از علوم روز بهره‌جسته‌اند یا خیر؟

تعاریف

یکی از موضوعات مهم در اعمال و کنش‌های انسان‌ها توجه به زمینه‌ها و علل رفتارها در شرایط مختلف است. آنچه به‌عنوان رفتار و کردار انسان‌ها قابل مشاهده و ارزیابی است وابسته به دیگر وجوه شخصیت انسان‌ها یعنی ادراک (بینش) و عواطف (گرایش)، و مرتبط با آنهاست. درواقع، رفتار شامل سه حوزه بینشی، گرایشی و کنشی است که به تعریف هر یک پرداخته می‌شود:

تعریف بینش و بینش سیاسی: در تعریف بینش گفته شده آنچه در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است به «بینش» تعبیر می‌شود (جلالی، ۱۳۸۰: ۱). می‌توان گفت بینش شامل نوع تفکرات و عقاید هر فرد درباره موضوعات و پدیده‌های خارجی است. درواقع، بینش معادل با مقوله شناخت و معرفت تعبیر شده که ابزار آن ذهن و قوه عاقله است. پس بینش سیاسی را می‌توان چنین تعریف کرد: آن دسته از افکار و عقایدی که میزان و نوع شناخت ما درباره مباحث و موضوعات سیاسی را مشخص می‌کند؛

تعریف گرایش و گرایش سیاسی: در تعریف گرایش باید گفت آنچه در حوزه اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد «گرایش» نامیده می‌شود (همان). پس می‌توان گرایش را شامل خلق و خو، عواطف، احساسات و هیجانات هر فرد درباره پدیده‌های خارجی دانست که ابزار آن قلب یا دل است. مهم‌ترین حالتی که در انسان بیانگر گرایش‌ها و اخلاقیات وی باشند عبارت‌اند از: «حب و بغض یا دوستی و دشمنی»، «خنده و گریه»، «شادی و غم»، «رحمت و خشونت» و... پس، گرایش سیاسی عبارت است از عواطف، احساسات و هیجانات هر فرد در حیطه مسائل و موضوعات سیاسی؛

تعریف کنش و رفتار سیاسی: رفتار شامل حالات و فعل و انفعالات و کنش هر فرد است که نمود و تظاهر عینی و بیرونی دارد. این موارد یعنی بینش و گرایش (اعتقادات و اخلاقیات) امور باطنی و درونی اشخاص‌اند که عمدتاً تظاهر بیرونی ندارند و تظاهر بیرونی آنها تنها زمانی است که در قالب کنش و رفتار فرد بروز می‌کنند (برزگر، ۱۳۸۹: ۸). به تعبیر دیگر، دو عامل اساسی بینش و گرایش موجب پیدایش رفتار می‌شوند و رفتار هر فرد تا حدود بسیاری وابسته و مبتنی بر دو عامل مذکور است. پس رفتار سیاسی شامل عمل و کنش هر فرد در زمینه مسائل مرتبط با قدرت و حکومت و امور سیاسی است.

به طور کلی باید گفت سه جزء یادشده یعنی بینش، گرایش و کنش معرفت سیاسی را تشکیل می‌دهند: بینش و عقاید که جنبه مبنایی و پایه‌ای دارند در حیطه حکمت نظری قرار می‌گیرند و اخلاق و رفتار در حیطه حکمت عملی تعریف می‌شوند (همان: ۹). همچنین همان‌گونه که گفته شد، سه جزء مذکور منطبق بر پارادایم علم روان‌شناسی نیز هستند و سه جنبه شناختی، احساسی و رفتاری را در هر فرد بیان می‌کنند. پس، جنبه کاربردی آن محرز است و بهره‌گیری از این روش در عمل می‌تواند راه‌گشا باشد؛

تعریف نفاق و منافق: از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، «نفاق از ریشه نفاق به معنای تونل و راهی است که از زیر زمین برود. سوراخ و لانه موش صحرائی را نفاق نامیده و می‌گویند نفاق و یا نفاق الیربوع؛ یعنی موش صحرائی به سوراخ رفت؛ و نیز از این باب است کلمه نفاق یعنی دخول در دین از دری و خروج از آن از در دیگر» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲۲۳۹). «نفاق سوراخ‌ها و لانه‌های موش در خلال زمین است که راه‌های مختلف دارد.

موش کور که از پرتو نور گریزان است در آنها به سر می‌برد و هرگاه خطری از سویی به او متوجه شد، از سوی دیگر خود را می‌رهاند. گویا نام منافق به همین تناسب است؛ زیرا منافق شخص ناتوان از جهت تفکر و تصمیم می‌باشد. بدین جهت، خود را با هر جمعیت و محیطی تطبیق می‌دهد» (طالقانی، ۱۳۵۸: ۷۷).

به نظر می‌رسد در تعریف عملیاتی باید گفت منافق کسی است که در برابر دعوت حق و دین الهی از لحاظ بینشی، گرایشی و رفتاری موضعی ناهماهنگ و ناموزون دارد. در واقع، از جنبه‌های بینشی و عقیدتی و گرایشی و عاطفی منافق دین الهی را رد و آن را انکار می‌کند، اما به سبب بهره‌مندی از برخی مزایا، کنش و رفتارش را مطابق با اهل ایمان و دین‌داران قرار می‌دهد. نکته دیگر در این باب اینکه نفاق از مقوله تشکیک و امری نسبی است و در همه به یک میزان و درجه نیست، بلکه شدت و ضعف دارد. از این رو، برای شناخت مقوله نفاق بهتر است که از منطق فازی پیروی کرد؛ بدین نحو که اگر در یک طرف مؤمن خالص و در طرف دیگر کافر خالص باشد، منافق در بین این دو در نوسان است.

پیشینه پژوهش

در باره موضوع این پژوهش باید گفت تاکنون رساله، پایان‌نامه یا نوشتاری با این عنوان به رشته تحریر درنیامده و فاقد پیشینه است؛ ولی برخی مطالب که درباره منافقان تألیف شده‌اند، به صورت کلی و عمدتاً مربوط به نشانه‌های نفاق، شیوه‌های مقابله با منافقان، مفهوم‌شناسی نفاق، مباحث تاریخی درباره نفاق، نفاق و منافقان در قرآن و... هستند که به آنها اشاره می‌شود:

در کتاب دوست‌نماها اثر آیت‌الله جعفر سبحانی (۱۳۷۸)، برخی نشانه‌های نفاق از دیدگاه قرآن کریم تحلیل و بررسی شده است؛

کتاب بیست نشانه منافقان در قرآن نوشته آقای قباد کاکاخانی (۱۳۹۶) به معرفی و بیان بیست نشانه مهم نفاق و دورویی که در قرآن کریم به آنها اشاره شده، پرداخته است؛

کتاب نفاق و منافق از دیدگاه شهید آیت‌الله مطهری نوشته خانم‌ها زهرا آشیان و فرشته اسلامی (۱۳۹۵) از زاویه دیگری به بحث نفاق اشاره کرده است. در این اثر سعی شده است

از نظر تاریخ و انسان‌شناسی به بحث نفاق از دیدگاه شهید مطهری پرداخته شود؛ کتاب نفاق‌شناسی نوشته علی‌رضا اعرافی (۱۳۹۳) به مباحث متفاوتی درباره نفاق پرداخته است؛ مباحثی از جمله مفهوم‌شناسی نفاق، روان‌شناسی نفاق، جامعه‌شناسی نفاق، علایم و نشانه‌های نفاق و روش‌های مقابله با نفاق؛

کتاب شناخت منافقین اثر علی حسینی یکتا (۱۳۸۱) در واقع نگرشی موضوعی بر پدیده نفاق دارد. موضوعات بحث‌شده در آن عبارت‌اند از: نفاق از نظرگاه فردی و اجتماعی، روان‌شناسی نفاق، جامعه‌شناسی نفاق، عقوبت نفاق و درمان آن، شیوه‌های برخورد با جریان نفاق و نفاق در منظر تمدن غربی؛

اثری دیگر درباره نفاق و منافق عبارت است از مسئله نفاق از شهید استاد مطهری (۱۳۵۸) که ایشان این بحث را طی چند جلسه سخنرانی ایراد کرده است؛

در مقاله «روش‌شناسی منافقین از دیدگاه قرآن»، آقای سید مهدی سلطانی رنانی با ذکر معناشناسی واژه نفاق و مفهوم روش‌شناسی منافقان و ضرورت این موضوع، به بحث درباره آن پرداخته و در جنبه‌های گوناگون به روش‌شناسی آنان به دو روش مقابله‌ای و تبیین ویژگی‌ها در عرصه‌های گوناگون مبادرت ورزیده است؛

آقایان افتخاری و کاظمی در «مدل اقتناع افکار عمومی در قرآن کریم: مطالعه موردی مواجهه با منافقین»، به مطالعه رفتارهای اقناعی پیامبر اسلام ﷺ جهت اقتناع افکار عمومی در مواجهه با منافقان پرداخته‌اند؛

آقای مصطفی قویدل در «مسئله نفاق» به نشانه‌ها و خصوصیات منافقان در قرآن پرداخته است؛

«نفاق و منافقین از منظر قرآن»، نوشته آقای حسین بزرگ‌زاده است که در آن کوشش شده است بر پایه قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام، به عوامل گوناگون منشأ نفاق و رفتار منافقانه پرداخته شود؛

مقاله «مدیریت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برابر فتنه‌های منافقان»، نوشته آقای حبیب زمانی محبوب، ابتدا کارشکنی‌ها و دسیسه‌افکنی‌های منافقان و سپس موضع‌گیری و مدیریت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برخورد با منافقان را بررسی و تبیین می‌کند؛

مقاله‌ای تحت عنوان «سیمای منافقان در نهج البلاغه»، اثر سجاد فروزش، به ویژگی‌ها و اوصاف برجسته منافقان از دیدگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد. در واقع، با رجوع به کتاب ارزشمند نهج البلاغه، شانزده مورد از آنها را ذکر کرده است و در ادامه روش برخورد با منافقان از دیدگاه حضرت امیر علیه السلام را می‌آورد و در این زمینه، به دو راه کلی اشاره می‌کند: شناخت و افشاگری؛

مقاله‌ای دیگر با عنوان «شرح نفاق و منافقان در کلمات امام خمینی علیه السلام»، نوشته آقای یاسر جهانی‌پور به علل و ریشه‌های اخلاقی بیماری نفاق و راه‌های درمان این بیماری در آثار عرفانی و اخلاقی امام خمینی علیه السلام همچون کتاب‌های چهل حدیث و آداب الصلوة پرداخته است؛

مقاله «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جریان نفاق»، از دکتر محمود مهدوی دامغانی، از زاویه تاریخی به بحث نفاق و چگونگی تکوین و شکل‌گیری هسته‌های اولیه نفاق در صدر اسلام و پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه و به قدرت رسیدن مسلمانان می‌پردازد.

چند اثر را نیز بدون اشاره به مطالب آنها می‌آوریم: میرزایی، محمد (۱۳۹۵). قرآن و پدیده‌شناسی نفاق و نفوذ، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی؛ کمالوندی، یاسین (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی رفتارشناسی منافقین و کفار در قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ایلام، مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام؛ رضانی، عزیزاله (۱۳۹۳). تحلیلی بر عملکرد منافقین در غزوة احد و احزاب از منظر قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول دین شعبه دزفول؛ پیری، حسین (۱۳۸۰). سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در برخورد با منافقان در قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس؛ روش‌های منافقین در جنگ با مسلمانان از منظر قرآن.

در باره تفاوت این اثر پژوهشی و نوآوری آن نسبت به سایر تألیفات باید گفت در مکتوبات قبلی، بسیار کلی به مسئله نفاق پرداخته شده و در هیچ‌یک از آثار پیش‌گفته، درباره رفتارشناسی سیاسی منافقان به صورت تخصصی پژوهشی انجام نشده است. در واقع، باتوجه به اینکه اساساً نفاق پدیده‌ای بسیار پیچیده و مرتبط با امر روان‌شناختی انسان‌هاست، خلأ آثار پیش‌گفته کاملاً مشهود است؛ چراکه در هیچ‌یک به علل ریشه‌ای و ابعاد بروز این

پدیده پرداخته نشده است؛ ولی در این پژوهش، ما بر اساس الگوی سه‌گانه تحلیل اندیشه سیاسی اسلام یعنی عقاید، اخلاق و احکام، در خصوص ابعاد شناختی، حسی و رفتاری منافقان از دیدگاه مفسران معاصر بحث و وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌ها را استخراج کرده‌ایم.

چهارچوب مفهومی

چهارچوب مفهومی این پژوهش بر اساس الگوی سه‌گانه اعتقادات، اخلاقیات و رفتارها در اندیشه سیاسی اسلام است. اسلام دارای سه بعد کلی اعتقادات، اخلاقیات و احکام است. از این رو، می‌توان گفت این سه‌گانه در اندیشه سیاسی اسلام هم می‌تواند بازتولید و بازتعریف شود. امام خمینی^ع که از اندیشمندان بزرگ اسلامی معاصرند، بر مبنای یکی از روایات در کتاب چهل حدیث، علوم را در سه بخش کلی آیه محکمه (عقاید حقه معارف اسلامی)، فریضة عادل (علم اخلاق) و سنه قائمه (علم ظاهر و علوم آداب) تقسیم‌بندی می‌کنند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۳۲۶). آیت‌الله مرتضی مطهری نیز وجوه سه‌گانه اسلام یعنی عقاید، اخلاق و احکام را به ترتیب با ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و کنشی سازگار می‌داند (مطهری، ۱۳۵۷: ۶۶). از آنجاکه دین برای هدایت انسان آمده، می‌توان گفت انسان دارای سه بعد اندیشه، احساسات و رفتار است (برزگر، ۱۳۸۹: ۵). پس، باتوجه به این الگو در سه حوزه بینشی (اعتقادات)، منشی (اخلاق) و کنشی (رفتاری)، می‌توان بحث مربوط به این پژوهش یعنی رفتار سیاسی منافقان را پیگیری و تبیین کرد.

روش پژوهش

روش استفاده‌شده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی از نوع جهت‌دار است. گاه نظریه یا تحقیقاتی قبلی درباره یک پدیده مطرح‌اند که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت، محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. این روش را معمولاً بر اساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها بر اساس نقش نظریه در آنهاست. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چهارچوب نظریه یا خود نظریه است

(ایمان، ۱۳۹۰: ۱۰). در نوشتار حاضر نیز سعی شده است با استفاده از چهارچوب الگوی سه‌گانه اعتقادات، اخلاقیات و رفتارها، رفتار سیاسی منافقان توصیف شود. شیوه و تکنیک گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و روش جمع‌آوری اسنادی است. روش قیاسی در این نوشتار استفاده شده است؛ بدین نحو که ابتدا ارکان سه‌گانه (اعتقادات، اخلاقیات و احکام) مبنا قرار می‌گیرند و با استفاده از شیوه قیاسی، از کل به جزء می‌رسیم و ضمن تطبیق آن بر آیات مرتبط، مؤلفه‌های بینش، گرایش و رفتار سیاسی منافقان استخراج می‌شود. همچنین با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای، اشتراک‌ها و افتراق‌های آرای مفسران احصا و بررسی خواهد شد. روش مقایسه‌ای راهی است برای مطالعه تنوع و مطالعه تنوع یعنی مطالعه الگوی شباهت‌ها و تفاوت‌ها درون مجموعه معینی از موارد (منوچهری، ۱۳۹۲: ۲۲۰). پس، در این پژوهش با مطالعه تفاسیر چهارگانه (المیزان، نمونه، تسنیم و پرتوی از قرآن)، آیاتی را بررسی محتوایی می‌کنیم که در موضوع منافقان‌اند، و سپس با استخراج مؤلفه‌های رفتاری منافقان، به ترتیب به مواردی که مرتبط با این اثر پژوهشی است می‌پردازیم. سعی شده است که مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی رفتار منافقان بررسی و واکاوی شود و در ادامه مواردی که مختص به رفتار سیاسی منافقان است بیشتر کنکاش شوند.

بینش، گرایش و رفتار سیاسی منافقان از دیدگاه مفسران معاصر

۱. علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان»

با بررسی و مطالعه تفسیر المیزان و بر اساس الگوی سه‌گانه (بینش، گرایش و کنش)، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های بینش سیاسی، گرایش سیاسی و رفتار سیاسی منافقان استخراج شد. هفت مؤلفه احصاشده مرتبط با بینش سیاسی منافقان عبارت‌اند از: عدم تمییز (تشخیص) راه از چاه، خود را بی‌نیاز از خداوند دانستن (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۳۴)، خیالات باطل، تشکیک در وحی الهی (همان: ۲۱۳)، فرق گذاشتن بین خدا و رسولش، انکار حق و ایمان عاریتی (همان: ۳۵۴).

درباره بررسی احساسات، عواطف، علایق و گرایش‌های قلبی منافقان و مؤلفه‌های

مرتبط با آن موارد استخراج شده عبارت‌اند از: دوست نداشتن ایمان (همان: ۶۱)، بیماری دل، ترس از برملا شدن اسرارشان (همان: ۴۲۳)، خلف وعده، نیرنگ و خدعه، تذبذب و دوگانگی (همان: ۳۶۵)، کسالت در نماز، دوستی با دشمنان خدا، خوش حالی از شکست پیامبر ﷺ و نیروهای اسلام (همان: ۹۷)، دروغ‌گویی و ناراحت شدن از حکم رسول خدا ﷺ (همان: ۳۷۸).

مهم‌ترین بخش از شخصیت‌شناسی و شناخت معرفت سیاسی منافقان را می‌توان از موضع‌گیری‌ها و عمل یا عکس‌العمل منافقان هنگام حوادث و پدیده‌های سیاسی درک کرد. عمل و رفتار سیاسی منافقان بدون شک متأثر از بینش و گرایش آنان است. در این قسمت، هجده مؤلفه که مرتبط با رفتار سیاسی منافقان است، به این ترتیب احصا شد: گسترش فساد هنگام رسیدن به قدرت، ادعای اصلاحگری و مصلح بودن، شایعه‌سازی، جدا شدن از صف مؤمنان هنگام جنگ، بهانه‌تراشی جهت شرکت نکردن در جهاد، خبرچینی و جاسوسی، بازداشتن مسلمانان از رفتن به جنگ، اطاعت نکردن از فرستاده خدا و بازداشتن مردم از رفتن نزد وی (همان: ۱۴۹۰)، داوری نزد طاغوت بردن، سکوت در برابر استهزای اهل ایمان، خدا را علنی یاد کردن ولی در خلوت به یاد او نبودن، خیانت به اسلام و رسول خدا ﷺ، فتنه‌گری، خرده گرفتن از پیامبر ﷺ (در تقسیم صدقات)، امر به منکر و نهی از معروف، خودداری از پرداخت زکات و انفاق در راه خدا، سوگندهای دروغ و وفا نکردن به عهد (همان).

۲. آیت‌الله سید محمود طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن»

آیت‌الله سید محمود طالقانی تفسیر مختصری از قرآن به نام پرتوی از قرآن را نگاشته است که هرچند مختصر است و شامل تمام سوره‌ها نیست، باید اذعان کرد که از تفاسیری است که با زبان علمی و فلسفی نگاشته شده و جهت استفاده پژوهشگران و دانشجویان مفید است.

بر اساس الگوی سه‌گانه (بینش، گرایش و کنش)، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های بینش سیاسی، گرایش سیاسی و رفتار سیاسی منافقان در تفسیر مذکور بررسی شد، که مؤلفه‌های بینش و

اعتقاد سیاسی منافقان عبارت‌اند از: ناتوان از جهت تفکر و تصمیم‌گیری، درک نکردن حق و قدرت آن، جهل مرکب و نارسایی فکری (طالقانی، ۱۳۶۲: ۸۱)، سست‌ایمانی، تجزیه‌قوای باطنی، تشکیک در وعده‌های الهی (تضعیف اصول توحید و نبوت) (همان: ۱۰۴۲) و خود را مصلح دانستن.

مؤلفه‌های گرایش سیاسی منافقان نیز عبارت‌اند از: اهل فریب، مفسد و منشأ هر فسادند، مغرور به قدرت فکری و معلومات، میمون‌صفت و اهل تغییر رنگ، ترسیدن از جهاد، مسخره کردن اهل ایمان (همان).

ده مؤلفه رفتار سیاسی منافقان عبارت‌اند از: سرگرم کردن مردم به شهوات، نسبت ساده‌لوحی و سفاهت دادن به اهل ایمان، ترساندن مؤمنان (همان: ۱۰۷۱)، دخالت در امر رهبری، عقب‌نشینی در مواقع حساس، تحریک دشمنان برای مقابله با مسلمانان (همان: ۱۰۰۴)، بهانه‌جویی برای شرکت نکردن در جنگ و جهاد، تشکیک در پیروزی مسلمانان، نفوذ در میان جامعه اسلامی، از بین بردن سرمایه‌های انسانی (همان).

۳. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در تفسیر «نمونه»

در این قسمت الگوی تحلیل رفتار منافقان در تفسیر نمونه بر اساس الگوی سه‌گانه (بینش، گرایش و کنش) بررسی شده است، که مؤلفه‌های مرتبط با هر بخش استخراج شد.

مؤلفه‌های مرتبط با بینش سیاسی منافقان عبارت‌اند از: خود را زرنگ، عاقل و هوشیار و مؤمنان را سفیه دانستن، داعیه اصلاح‌طلبی داشتن، خدا را همچون انسان عادی شمردن (مکارم، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۶۹)، حق و عدالت در قاموس آنها مفهومی نداشتن، خود را مالک همه‌چیز دانستن، نفهم‌اند ولی نمی‌دانند (دچار جهل مرکب) (همان).

مؤلفه‌های گرایش سیاسی منافقان عبارت‌اند از: دروغ سرمایه اصلی آنان است (اهل دروغ، پیمان‌شکنی و وعده‌های دروغین)، هر روز به رنگی درآمدن (همان: ۱۲۹)، اهل خدعه، نیرنگ و فریب، اهل پیمان‌شکنی، تعصب و لجاجت خشک، اهل خیانت (همان، ج ۷: ۱۷۴)، ناراحت شدن از پیروزی پیامبر ﷺ و مسلمانان، ترس (وحشت و اضطراب از شنیدن نام جنگ)، بی‌میل به انجام دادن کارهای خیر (همان: ۵۲۸)، اهل امساک و بخل،

راضی به حق خود نبودن و رضایت نداشتن به مقوله عدالت، لجوج و بهانه گیر (اهل کارشکنی)، استهزا و مسخره کردن اهل ایمان (همان).

مؤلفه‌های رفتار سیاسی منافقان عبارت‌اند از: تبلیغات مستمر اجتماعی ضد اسلام (ضد انقلاب اسلامی عمل می‌کنند)، تشکیل گروه‌های سرّی هنگام پیروزی مؤمنان (همان، ج ۱: ۱۳۵)، گفتار زیاد و عمل کم و ناهماهنگ، نفوذ در بین مسلمانان، خودداری از شرکت در برنامه‌های جهاد به بهانه‌های مختلف، ترویج ظلم و ستم هنگام کسب قدرت، ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی (همان، ج ۸: ۱۸۳)، سخنانی فریبنده داشتن، توسل به سوگندهای دروغین جهت فریب مردم، خرده گرفتن بر پیامبر ﷺ هنگام تقسیم صدقات، دل‌سرد کردن مردم از انجام کارهای نیک، امر به منکر و نهی از معروف، مضایقه از هرگونه ایثار جانی و مالی (همان، ج ۱۷).

۴. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر «تسنیم»

به الگوی تحلیل رفتار منافقان در تفسیر تسنیم و به تبیین مؤلفه‌های بینش سیاسی، گرایش سیاسی و کنش منافقان از منظر این تفسیر می‌پردازیم.

بر اساس الگوی سه‌گانه (بینش، گرایش و کنش)، مؤلفه‌های مرتبط با بینش سیاسی منافقان عبارت‌اند از: انکار اصول دین (کفر به مبدأ، رسالت و معاد) (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۵/۲: ۱)، تشخیص ندادن اصلاح از افساد (همان: ۱۵)، عقل‌نظری آنها اسیر وهم و خیال است (همان: ۱۴)، دارای بینش مادی (ماتریالیستی) (همان: ۱۶)، با القای شبهه الحاد ساده‌لوحان را متزلزل می‌کنند (همان، ج ۴/۱۰: ۱۰)، شک و ریب به دعوی و دعوت قرآن (همان، ج ۳/۲: ۵)، شهادت را زوال دانستن و کذب اعتقادی (همان، ج ۱۰/۷: ۲۵).

در قسمت بعدی، مؤلفه‌های گرایش سیاسی منافقان احصا شده است که عبارت‌اند از: کراهت به نماز (همان، ج ۵/۲: ۱)، دروغ‌گویی (ادعای دروغ) (همان)، رغبت به کفار (همان: ۱۹)، ضعف اراده (همان، ج ۵/۴: ۱۶)، غیرمتعهد (همان)، سرکشی در برابر دعوت به تقوا (همان، ج ۴/۱۰: ۲۰)، ظاهری رنگین (و باطنی ننگین) دارند (همان: ۵)، در عرصه عاطفه با ایجاد وسوسه محبت‌ها را به دشمنی مبدل می‌کنند (همان: ۱۰)، قدرت‌طلب‌اند

(همان: ۱۴)، نصیحت‌ناپذیرند (همان: ۲۱)، کراهت و ناخشنودی از جهاد (مالی و جانی) (همان، ج ۹/۱۰: ۱۶)، بغض و کینه به اهل ایمان (همان، ج ۸/۱۵: ۲۲).

مؤلفه‌های مرتبط با رفتار سیاسی منافقان نیز عبارت‌اند از: امر به منکر و نهی از معروف (همان، ج ۵/۲: ۱۵)، اهل تعدی و ستم و فساد هنگام کسب قدرت (همان، ج ۴/۱۰: ۱۰)، اهل تبطئه و به تأخیر انداختن جهاد و ترک حضور در صحنه نبرد و نهی دیگران از جهاد در راه خدا (همان، ج ۱۰/۷: ۳۶)، گفتار شگفت‌انگیز و سخنان جذاب دارند (همان، ج ۴/۱۰: ۱)، دیگران را به عدل و قسط فرامی‌خوانند (خلاف میل باطنی) (همان: ۵)، مانع ترقی جامعه اسلامی و انسانی هستند (همان: ۸)، جاسوسی برای بیگانگان (همان: ۱۰).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

اکنون به منظور بررسی دقیق‌تر آرای مفسران و توصیف دیدگاه آنان در خصوص رفتار سیاسی منافقان، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های بینش، گرایش و رفتار سیاسی منافقان در جدول‌هایی به اختصار ذکر می‌شود:

جدول ۱: مقایسه دیدگاه‌های مفسران درباره بینش، گرایش و رفتار سیاسی

منافقان در تفاسیر چهارگانه

تفسیر	المیزان	پرتوی از قرآن	نمونه	تسبیم
مؤلفه‌های بینش سیاسی	۱. عدم تمیز راه از چاه ۲. خود را بی‌نیاز از خداوند دانستن ۳. خیالات باطل ۴. تشکیک در وحی الهی ۵. فرق گذاشتن بین خدا و رسولش	۱. ناتوان از جهت تفکر و تصمیم‌گیری ۲. درک نکردن حق و قدرت آن ۳. جهل مرکب و نارسایی فکری ۴. سست‌ایمان‌اند ۵. تجزیه قوای باطنی ۶. تشکیک در وعده‌های الهی	۱. خود را زرنگ، عاقل و هوشیار و مؤمنان را سفیه پنداشتن ۲. داعیه اصلاح‌طلبی ۳. خدا را همچون انسان عادی شمردن ۴. حق و عدالت در قاموس آنها	۱. انکار اصول دین ۲. تشخیص ندادن اصلاح از افساد ۳. عقل نظری آنها اسیر وهم و خیال بودن ۴. دارای بینش ماتریالیستی ۵. با القای شبهه الحاد، ساده‌لوحان را متزلزل کردن

<p>۶. شک و ریب به دعوی و دعوت قرآن ۷. شهادت را زوال دانستن ۸. کذب اعتقادی</p>	<p>مفهومی نداشتن ۵. خود را مالک همه چیز دانستن ۶. دچار جهل مرکب</p>	<p>۷. خود را مصلح دانستن</p>	<p>۶. انکار حق ۷. ایمان عاریتی</p>	
<p>۱. کراهت به نماز ۲. دروغ‌گویی ۳. رغبت به کفار ۴. ضعف اراده ۵. بغض و کینه به اهل ایمان ۶. سرکشی در برابر دعوت به تقوا ۷. ظاهری رنگین و باطنی ننگین ۸. در عرصه عاطفه با ایجاد وسوسه محبت‌ها را به دشمنی مبدل کردن ۹. قدرت طلبی ۱۰. نصیحت‌ناپذیری ۱۱. کراهت و ناخشنودی از جهاد مالی و جانی</p>	<p>۱. دروغ سرمایه اصلی آنان ۲. هر روز به رنگی درمی‌آیند ۳. اهل خدعه، نیرنگ و فریب ۴. استهزا و مسخره کردن اهل ایمان ۵. تعصب و لجاجت خشک ۶. اهل خیانت ۷. ناراحت شدن از پیروزی پیامبر و مسلمانان ۸. ترس ۹. بی‌میل به انجام کارهای خیر ۱۰. اهل امساک و بخل ۱۱. رضایت نداشتن به مقوله عدالت ۱۲. لجوج و بهانه‌گیر</p>	<p>۱. اهل فریب ۲. مفسد و منشاء هر فساد ۳. مغرور به قدرت فکری و معلومات خویش ۴. میمون صفت و اهل تغییر رنگ ۵. وحشت و ترس از جهاد ۶. مسخره کردن اهل ایمان</p>	<p>۱. دوست نداشتن ایمان ۲. بیماری دل ۳. ترس ۴. ناراحت شدن از حکم رسول خدا ﷺ ۵. نیرنگ و خدعه ۶. تذبذب و دوگانگی ۷. کسالت در نماز ۸. دوستی با دشمنان خدا ۹. خوش حالی از شکست نیروهای اسلام ۱۰. دروغ‌گویی</p>	<p>مؤلفه‌های گرایش سیاسی</p>

<p>۱. امر به منکر و نهی از معروف</p> <p>۲. اهل تعدی و ستم و فساد هنگام کسب قدرت</p> <p>۳. اهل به تأخیر انداختن جهاد و ترک حضور در صحنه نبرد</p> <p>۴. گفتار شگفت‌انگیز و سخنان جذاب داشتن</p> <p>۵. دیگران را خلاف میل باطنی به عدل و قسط فراخواندن</p> <p>۶. مانع ترقی جامعه اسلامی و انسانی</p> <p>۷. جاسوسی برای بیگانگان</p> <p>۸. غیر متعهد</p>	<p>۱. تبلیغات مستمر اجتماعی ضد اسلام</p> <p>۲. تشکیل گروه‌های سرّی هنگام پیروزی مؤمنان</p> <p>۳. گفتار زیاد و عمل کم و ناهماهنگ</p> <p>۴. نفوذ در بین مسلمانان</p> <p>۵. خودداری از شرکت در برنامه‌های جهاد به بهانه‌های مختلف</p> <p>۶. ترویج ظلم و ستم هنگام کسب قدرت</p> <p>۷. ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی</p> <p>۸. سخنانی فریبنده داشتن</p> <p>۹. توسل به سوگندهای دروغین جهت فریب مردم</p> <p>۱۰. خرده گرفتن بر پیامبر ﷺ</p> <p>۱۱. دل سرد کردن</p>	<p>۱. سرگرم کردن مردم به شهوات</p> <p>۲. نسبت ساده‌لوحی و سفاقت دادن به اهل ایمان</p> <p>۳. ترساندن مؤمنان</p> <p>۴. دخالت در امر رهبری</p> <p>۵. عقب‌نشینی در مواقع حساس</p> <p>۶. تحریک دشمنان برای مقابله با مسلمانان</p> <p>۷. بهانه‌جویی برای شرکت نکردن در جنگ و جهاد</p> <p>۸. تشکیک در پیروزی مسلمانان</p> <p>۹. نفوذ در میان جامعه اسلامی</p> <p>۱۰. از بین بردن سرمایه‌های انسانی</p>	<p>۱. گسترش فساد هنگام رسیدن به قدرت</p> <p>۲. ادعای اصلاحگری و مصلح بودن</p> <p>۳. شایعه‌سازی</p> <p>۴. جدا شدن از صف مؤمنان</p> <p>هنگام جنگ</p> <p>۵. بهانه‌تراشی جهت شرکت نکردن در جهاد</p> <p>۶. خبرچینی و جاسوسی</p> <p>۷. بازداشتن مسلمانان از رفتن به جنگ</p> <p>۸. اطاعت نکردن از فرستاده خدا</p> <p>۹. داوری نزد طاغوت بردن</p> <p>۱۰. سکوت در برابر استهزای اهل ایمان</p> <p>۱۱. خدا را علنی یاد کردن، ولی در خلوت به یاد او نبودن</p>	<p>مؤلفه‌های رفتار سیاسی</p>
--	---	---	---	------------------------------

مردم از انجام کارهای نیک	۱۲. خیانت به اسلام و رسول خدا ﷺ
۱۲. امر به منکر و نهی از معروف	۱۳. فتنه‌گری
۱۳. مضایقه از هرگونه ایثار جانی و مالی	۱۴. خرده گرفتن بر پیامبر ﷺ
۱۴. اهل پیمان‌شکنی	۱۵. امر به منکر و نهی از معروف
	۱۶. خودداری از پرداخت زکات
	۱۷. سوگندهای دروغ
	۱۸. خلف وعده و عدم وفای به عهد

(منبع: یافته‌های پژوهش)

با نگاهی اجمالی به جدول و بررسی شاخص‌های رفتاری منافقان، می‌توان استنباط کرد که علامه طباطبایی نسبت به دیگر مفسران، بر شاخص‌های کنشی رفتار سیاسی منافقان بیشتر تأکید دارد و احصای هجده مورد از آن بیانگر این موضوع است. همچنین توجه بیشتر آیت‌الله مکارم به شاخص‌های گرایشی (اخلاقی) و آیت‌الله جوادی به شاخص‌های بینشی (اعتقادی) مشهود است. در مجموع از تفسیر المیزان ۳۵ شاخصه، پرتوی از قرآن ۲۳ شاخصه، تفسیر نمونه ۳۲ شاخصه و تسنیم ۲۷ شاخصه از رفتار سیاسی منافقان استخراج شده است.

جدول ۲: شاخص‌های مشترک بینش، گرایش و رفتار سیاسی منافقان

از دیدگاه مفسران

مؤلفه‌های رفتار سیاسی	مؤلفه‌های گرایش سیاسی	مؤلفه‌های بینش سیاسی	
امر به منکر و نهی از معروف (المیزان)	ترس (المیزان) ترس از جهاد (پرتوی از	عدم تمییز راه از چاه (المیزان)	۱

امر به منکر و نهی از معروف (نمونه) امر به منکر و نهی از معروف (تسنیم)	قرآن ترس (نمونه)	عدم تشخیص اصلاح از افساد (تسنیم)	
گسترش فساد هنگام رسیدن به قدرت (المیزان) ترویج ظلم و ستم هنگام کسب قدرت (نمونه) اهل ستم و فساد هنگام کسب قدرت (تسنیم)	میمون صفت و اهل تغییر رنگ (پرتوی از قرآن) هر روز به رنگی درآمدن (نمونه) ظاهری رنگین و باطنی ننگین (تسنیم)	تشکیک در وحی الهی (المیزان) تشکیک در وعده‌های الهی (پرتوی از قرآن)	۲
بهانه‌تراشی جهت شرکت نکردن در جهاد (المیزان) بهانه‌جویی برای شرکت نکردن در جنگ و جهاد (پرتوی از قرآن) خودداری از شرکت در برنامه‌های جهاد (نمونه) اهل به تأخیر انداختن جهاد (تسنیم)	مسخره کردن اهل ایمان (پرتوی از قرآن) مسخره کردن اهل ایمان (نمونه)	خود را مصلح دانستن (پرتوی از قرآن) داعیه اصلاح‌طلبی (نمونه)	۳
نفوذ در میان جامعه اسلامی (پرتوی از قرآن) نفوذ در بین مسلمانان	دروغ‌گویی (المیزان) دروغ سرمایه اصلی آنان (نمونه) دروغ‌گویی (تسنیم)	خیالات باطل (المیزان) عقل نظری آنها اسیر وهم و خیال بودن (تسنیم)	۴
خبرچینی و جاسوسی (المیزان) جاسوسی برای بیگانگان (تسنیم)	نیرنگ و خدعه (المیزان) اهل نیرنگ و فریب (نمونه)	عدم درک حق (پرتوی از قرآن) انکار حق (المیزان)	۵
خرده گرفتن بر پیامبر ﷺ (المیزان) خرده گرفتن بر پیامبر ﷺ (نمونه)	کسالت در نماز (المیزان) کراهت به نماز (تسنیم)	دچار جهل مرکب (نمونه) جهل مرکب (پرتوی از قرآن)	۶
گفتار شگفت‌انگیز و سخنان جذاب داشتن (تسنیم) سخنانی فریبنده داشتن (نمونه)	خوش حالی از شکست نیروهای اسلام (المیزان) ناراحت شدن از پیروزی پیامبر ﷺ و مسلمانان (نمونه)		۷
خلف وعده و عدم وفای به عهد (المیزان) اهل پیمان‌شکنی (نمونه) غیرمتعهد (تسنیم)			

(منبع: یافته‌های پژوهش)

شاخص‌های مشترک بینش، گرایش و رفتار سیاسی منافقان از دیدگاه مفسران با عنایت به جدول شماره ۲ می‌توان دریافت که مهم‌ترین شاخصه‌ای که همه مفسران بر آن تأکید دارند شاخصه کنشی شرکت نکردن در جنگ و جهاد است. همچنین شاخصه‌های امر به منکر و نهی از معروف، گسترش فساد، و خلف وعده بیشترین فراوانی را در دیدگاه مفسران دارند. از شاخص‌های گرایشی نیز بر ترس، دروغ‌گویی و تلون و ظاهرسازی بیشتر از همه تأکید شده است. درباره بینش و اعتقادات سیاسی منافقان، دیدگاه آیت‌الله طالقانی بیشترین اشتراک را با دیگر مفسران دارد.

جدول ۳: شاخص‌های افتراق بینش، گرایش و رفتار سیاسی منافقان

از دیدگاه مفسران

تفسیر	المیزان	پرتوی از قرآن	نمونه	تسبیم
مؤلفه‌های بینش سیاسی	خود را بی‌نیاز از خداوند دانستن فرق گذاشتن بین خدا و رسولش ایمان عاریتی	ناتوان از جهت تفکر و تصمیم‌گیری سست‌ایمان‌اند تجزیه قوای باطنی	خود را زرنگ، عاقل و هوشیار و مؤمنان را سقیه پنداشتن خدا را همچون انسان عادی شمردن حق و عدالت در قاموس آنها مفهومی نداشتن خود را مالک همه چیز دانستن	انکار اصول دین داری بینش ماتریالیستی با القای شبهه الحاد، ساده‌لوحان را متزلزل کردن شهادت را زوال دانستن کذب اعتقادی
مؤلفه‌های گرایش سیاسی	دوست نداشتن ایمان بیماری دل تذبذب و دوگانگی دوستی با دشمنان خدا	مفسد و منشأ هر فساد مغرور به قدرت فکری و معلومات خویش	تعصب و لجابت خشک اهل خیانت بی‌میل به انجام کارهای خیر اهل امساک و بخل عدم رضایت به مقوله عدالت لجوج و بهانه‌گیر	ضعف اراده سرکشی در برابر دعوت به تقوا در عرصه عاطفه با ایجاد وسوسه، محبت‌ها را به دشمنی مبدل کردن قدرت‌طلبی نصیحت‌ناپذیری کراهت و ناخشنودی از

<p>جهاد مالی و جانی بغض و کینه به اهل ایمان</p>				
<p>اهل تعدی و ستم و فساد هنگام کسب قدرت دیگران را خلاف میل باطنی به عدل و قسط فراخواندن مانع ترقی جامعه اسلامی و انسانی</p>	<p>تبلیغات مستمر اجتماعی ضد اسلام تشکیل گروه‌های سرّی هنگام پیروزی مؤمنان گفتار زیاد و عمل کم و ناهماهنگ ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی دل‌سرد کردن مردم از انجام کارهای نیک مضایقه از هرگونه ایثار جانی و مالی</p>	<p>سرگرم کردن مردم به شهوات نسبت ساده‌لوحی و سفاهت دادن به اهل ایمان ترساندن مؤمنان دخالت در امر رهبری عقب‌نشینی در مواقع حساس تحریک دشمنان برای مقابله با مسلمانان تشکیک در پیروزی مسلمانان از بین بردن سرمایه‌های انسانی</p>	<p>شایعه‌سازی جدا شدن از صف مؤمنان هنگام جنگ بازداشتن مسلمانان از رفتن به جنگ اطاعت نکردن از فرستاده خدا داوری نزد طاغوت بردن سکوت در برابر استهزای اهل ایمان خدا را علنی یاد کردن، ولی در خلوت به یاد او نبودن خیانت به اسلام و رسول خدا ﷺ فتنه‌گری خودداری از پرداخت زکات</p>	<p>مؤلفه‌های رفتار سیاسی</p>

(منبع: یافته‌های پژوهش)

شاخص‌های افتراق بینش، گرایش و رفتار سیاسی منافقان از دیدگاه مفسران

توجه به همه شاخص‌ها در جدول شماره ۱ و شاخص‌های مشترک در جدول شماره ۲، ما را در دستیابی به شاخص‌های افتراق رهنمون می‌سازد. به نظر می‌رسد دلیل وجود افتراق در شاخص‌ها را می‌توان چنین بیان کرد: اول اینکه طبیعتاً چهارچوب فکری هر یک از اندیشمندان و مفسران مذکور متفاوت است. به‌عنوان مثال، با توجه به اینکه علامه طباطبایی و شاگردش، آیت‌الله جوادی آملی، مطالعات فلسفی عمیقی داشته‌اند، برداشت و تفسیر ایشان از آیات متفاوت با دیگران است (مثلاً اشاره به اینکه عقل نظری منافقان اسیر وهم و خیال

است)؛ همچنین به نظر می‌رسد آیت‌الله طالقانی نسبت به دیگر مفسران، دیدگاه عمیقی به جامعه‌شناسی دارد (مثلاً اشاره به شاخص‌های دخالت در امر رهبری و از بین بردن سرمایه‌های انسانی).

نتیجه‌گیری

آنچه به اختصار می‌توان از این پژوهش استنباط و استنتاج کرد و در واقع یافته‌های این اثر تحقیقی است، شامل این موارد است:

اول اینکه نفاق از مقوله تشکیک و امری نسبی است و در همه به یک میزان و درجه نیست، بلکه شدت و ضعف دارد. از این رو برای شناخت مقوله نفاق بهتر است که از منطق فازی پیروی کرد؛ بدین نحو که اگر در یک طرف مؤمن خالص و در طرف دیگر کافر خالص باشد، منافق در بین این دو در نوسان است؛

دومین مطلب اینکه اثر متقابل هریک از مؤلفه‌های بینش (اعتقاد)، گرایش (اخلاق) و کنش (رفتار) بر یکدیگر انکارناپذیر است. درباره اینکه کدام یک از این عوامل منشأ و ریشه دیگری است، بحث‌های متفاوتی ذکر و مشخص شد میان اندیشمندان اختلاف نظر هست؛ اما اینکه نقش کدام یک از این عوامل در زندگی انسان‌ها مهم‌تر و برجسته‌تر است، به نظر می‌رسد مؤلفه‌های سه‌گانه مذکور و نقش آنها در زندگی انسان‌ها را نمی‌شود به‌طور مجزا دید، بلکه به شکل نظام‌مند و درهم‌تنیده و بسته‌ای هستند که جهت تجزیه و تحلیل رفتار انسان‌ها می‌باید همه را در نظر گرفت و بسته به محیط و شرایط و اقتضائات اثر و نقش هریک بیشتر یا کمتر است.

ضمن بررسی نظرهای گوناگون در این زمینه معلوم شد که هریک از اندیشمندان با توجه به نوع حوزه کاری و تخصص مرتبط، نقشی ویژه برای هریک از این مؤلفه‌ها قائل‌اند. به‌عنوان مثال، فلاسفه نقش و کارکردی ویژه و مبنایی برای بینش و عقل قائل‌اند، درحالی‌که عرفا برای قلب و گرایش‌های قلبی و اخلاقیات، و فقها برای احکام و مناسک دینی نقش اساسی قائل هستند. در مجموع به نظر می‌رسد با صرف نظر از تقدم و تأخر، هریک از مؤلفه‌های مذکور می‌تواند بر دیگری عمیقاً اثرگذار باشد؛ هرچند باید گفت به سبب پایداری

تفکر و اندیشه نسبت به عواطف و گرایش‌های اخلاقی، نقش اعتقادات و بینش سیاسی منافقان پررنگ‌تر است.

در پایان آنچه در زمینه شناخت رفتار سیاسی منافقان راه‌گشاست توجه به بعد کنشی رفتار سیاسی منافقان است؛ زیرا دیگر ابعاد یعنی بعد بینش و گرایش، عمدتاً مربوط به عرصه فردی رفتارشناسی افراد است، اما بعد کنشی در عرصه اجتماعی و در تعامل و ارتباط با دیگران بروز و ظهور می‌یابد. اما اینکه نقش کدام یک از این عوامل در زندگی انسان‌ها مهم‌تر و برجسته‌تر است، به نظر می‌رسد مؤلفه‌های سه‌گانه مذکور و نقش آنها در زندگی و رفتار انسان‌ها را نمی‌شود به طور مجزا دید، بلکه به شکل نظام‌مند و درهم‌تنیده و بسته‌ای هستند که جهت تجزیه و تحلیل رفتار انسان‌ها می‌باید همه را در نظر گرفت و بسته به محیط و شرایط و اقتضائات اثر و نقش هر یک بیشتر یا کمتر است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
آشتیان، زهرا و فرشته اسلامی (۱۳۹۵). نفاق و منافق از دیدگاه شهید آیت‌الله مطهری، قم، صدرا.
اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳). نفاق‌شناسی، قم، مؤسسه نشر اشراق و عرفان.
ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، دوفصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی، س ۳، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۵-۴۴.
برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، نشریه علمی پژوهشی دانش سیاسی، ۶۲، ش ۲، ص ۴۳-۷۲.
برزگرزاده، حسین (۱۳۸۷). «نفاق و منافقین از منظر قرآن»، مجله انسان پژوهشی دینی، پاییز و زمستان، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۵۷-۸۴.
پیری، حسین (۱۳۸۰). سیره پیامبر اسلام ﷺ در برخورد با منافقان در قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
حسینی یکتا، علی (۱۳۸۱). شناخت منافقین، قم، انتشارات دانش و ادب.
جلالی، حسین (۱۳۸۰). «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها»، فصلنامه معرفت، ش ۵۰، بهمن، ص ۴۵-۵۵.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
جهانی‌پور، یاسر (۱۳۹۷). «شرح نفاق و منافقان در کلمات امام خمینی»، فصلنامه حضور، بهار،
ش ۹۲، بهار، ص ۸۹.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب
اسلامی.

سبحانی، جعفر (۱۳۷۸). دوست‌نماها، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
سلطانی رنای، سیدمهدی (۱۳۹۱). «روش‌شناسی منافقین از دیدگاه قرآن»، دوفصلنامه
پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، س ۱۷، ش ۶، بهمن و اسفند، ص ۱۴۱-۱۶۲.
قوبدل، مصطفی (۱۳۸۳). «منافقان در نهج البلاغه»، ماهنامه پاسدار اسلام، س ۲۳، ش ۲۷۲،
ص ۳۷-۳۹.

فروزش، سجاد (۱۳۹۱). «سیمای منافقان در نهج البلاغه»، نشریه مبلغان، ش ۱۵۶، شهریور،
ص ۲۶-۳۸.

کاکاخانی، قباد (۱۳۹۶). بیست نشانه منافقان در قرآن، دسترسی در: www.aqeedeh.com.
کمالوندی، یاسین (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی رفتارشناسی منافقین و کفار در قرآن و حدیث،
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ایلام، مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام.
رمضانی، عزیزاله (۱۳۹۳). تحلیلی بر عملکرد منافقین در غزوه احد و احزاب از منظر قرآن کریم،
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اصول دین شعبه درفول.
زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۰). «مدیریت پیامبر اعظم در برابر فتنه‌های منافقان»، فصلنامه
حصون، ش ۳۰، خرداد و تیر، ص ۶-۱۶.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، قم، نشر دار
العلم.

طالقانی، سیدمحمد (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۸). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
میرزایی، محمد (۱۳۹۵). قرآن و پدیده‌شناسی نفاق و نفوذ، مشهد، انتشارات آستان قدس
رضوی.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). مسئله نفاق، قم، صدرا.

_____ (۱۳۵۷). علل گرایش به مادیگری، قم، صدرا.

منوچهری، عباس (۱۳۹۲). رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت.
مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۸۸). «پیامبر ﷺ و جریان نفاق»، فصلنامه نشریه مطالعات تاریخ
اسلام، تابستان، س ۱، ش ۱، تابستان، ص ۱۳۴-۱۵۱.